

عوامل جمعیت‌شناختی، دینداری با تکیه بر اسلام و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز

منصور بیرامی^۱، تورج هاشمی^۲، پروانه علائی^۳، وحیده عبدالهی عدلی انصار^۳

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت موضوع شادکامی در زندگی، این پژوهش به منظور تعیین سهم عوامل جنسیت، نوع سکونت، دینداری و عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز و مشغول به تحصیل در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ تشکیل شد. ۳۷۲ دانشجو به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به ابزار سنجش خانواده (FAD یا Family assessment device)، مقیاس شادکامی (MUNSH یا Memorial university of Newfoundland scale of happiness) و مقیاس سنجش دینداری با تکیه بر اسلام (RRIAS یا Religiosity Through Reliance on Islam Assessment Scale) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام‌به‌گام تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بین عملکرد خانواده و نیز دینداری با تکیه بر اسلام، با شادکامی رابطه وجود داشت ($P < 0/01$). عوامل جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری و ارتباط، ۳۲ درصد از تغییرات احساس شادکامی را پیش‌بینی می‌کند ($P < 0/01$). ضرایب بتای متغیرهای پیش‌بین نشان داد که جنسیت نقش مهم‌تری در پیش‌بینی تغییرات شادکامی دارد.

نتیجه‌گیری: دانشجویان بومی نسبت به دانشجویان غیر بومی، و پسران نسبت به دختران شادتر هستند. دانشجویان با عملکرد خانواده‌گی سازگارانه و گرایش و تعهد به دین اسلام، شادتر هستند. بنابراین، برگزاری کارگاه‌های آموزش خانواده و مراسم مذهبی مناسب برای افزایش شادکامی دانشجویان پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: دینداری با تکیه بر اسلام، عملکرد خانواده، شادکامی، عوامل جمعیت‌شناختی، دانشجو.

نوع مقاله: پژوهشی

پذیرش مقاله: ۸۹/۳/۳۱

دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۲

مقدمه

است (۱). روان‌شناسان علاقمند به حیطه روان‌شناسی مثبت‌نگر، توجه خود را بر منابع بالقوه احساس‌های مثبت، نظیر احساس شادکامی متمرکز کرده‌اند (۲). اصطلاح شادکامی،

در دو دهه اخیر، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به جنبه‌های مثبت چون بررسی تجربی شادکامی، بیش از جنبه‌های منفی پرداخته

Email: dr.Bayrami@yahoo.com

۱- دانشیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲- استادیار، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳- دانشجوی دکتری، دانشکده روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

گاهی اوقات به معنای عاطفه مثبت منهای عاطفه منفی به کار برده می‌شود (۳) و بعضی اوقات ترکیبی از رضایت از زندگی و عاطفه مثبت بدون وجود عاطفه منفی معنی می‌شود (۴). احساس شادی تنها با عدم حضور هیجانات و حالات منفی به دست نمی‌آید، بلکه لازمه وجود احساس شادکامی، شرایط و حالات مثبت و رضامندی از زندگی با خود و دیگران است (۵). شادکامی عبارت است از مقدار ارزش مثبتی که یک فرد برای خود قایل است (۶). مطالعات تحلیل عاملی نشان می‌دهد که شادکامی دو جنبه عاطفی و شناختی دارد. جنبه عاطفی بیان‌کننده تجربه هیجانی لذت، سرخوشی و سایر هیجان‌های مثبت است و جنبه شناختی رضایت از ابعاد مختلف زندگی را در بر می‌گیرد (۷). از دید سایر محققان، شادکامی دارای مؤلفه‌های عاطفی، اجتماعی و شناختی است؛ به طوری که مؤلفه عاطفی باعث می‌شود فرد همواره از نظر خلقی شاد و خوشحال باشد، مؤلفه اجتماعی موجب گسترش روابط اجتماعی با دیگران و افزایش حمایت اجتماعی می‌شود و مؤلفه شناختی موجب می‌گردد که فرد وقایع روزمره را طوری تعبیر و تفسیر کند که خوش‌بینی وی را به دنبال داشته باشد (۸).

تجارب عاطفی مثبت نه تنها به بهزیستی شخصی، بلکه به رشد و تکامل شخصی نیز کمک می‌کند. هیجان‌های مثبت مجموعه فکر و عمل آنی را گسترش می‌دهد. این گستردگی مجموعه فکر و عمل فرصت‌هایی را برای به وجود آوردن تدابیر شخصی با دوام فراهم می‌کند (۳). افراد شاد با ارزش‌گذاری به مهارت‌های خود، رویدادهای مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند، آنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی آینده خود به دلیل استفاده از راهبردهایی چون جستجوی اطلاعات مرتبط با خطر امنیت، بهتر عمل می‌کنند (۹). به اعتقاد Myers (به نقل از اعتمادزاده و همکاران) شادمانی صرف نظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامت جسمانی را بهبود بخشد، احساس امنیت فرد را تقویت نماید، قدرت تصمیم‌گیری و روحیه مشارکتی را افزایش دهد و بر میزان رضایت از زندگی بیفزاید (۱۰). هیجان‌پذیری مثبت و شادکامی با فعالیت جسمانی منظم، خواب کافی، معاشرت با دوستان نزدیک و تلاش برای اهداف

ارزشمند تا رسیدن به آن‌ها ارتباط دارد؛ به طوری که احتمال می‌رود رابطه بین این متغیرها دو سویه باشد (۱۱). پژوهشگران دریافتند که رضایت زناشویی، خوش‌بینی، حضور در اماکن مذهبی، ایمان قلبی به خدا، تعداد مسافرت‌های سالانه، و میزان ورزش هفتگی به ترتیب با شادکامی رابطه مثبت معنی‌دار دارند (۱۲). از طرفی، وجود شادمانی عملکرد دستگاه ایمنی بدن را بهبود می‌بخشد (۱۳، ۳). افراد شادمان دارای عزت نفس بالا، روابط دوستانه محکم و اعتقادات مذهبی معنی‌دار هستند (۱۴).

ایمان مذهبی یکی از عواملی است که موجب افزایش شادمانی فرد می‌شود. فرد با ایمان که خدا را حامی و پشتیبان خود می‌داند، احساس رهاشدگی، پوچی و تنهایی نمی‌کند (۱۵). بین مذهب درونی و نیز مقابله مذهبی مثبت با احساس شادکامی رابطه مثبت وجود دارد (۱۶). بین شادکامی و درگیری در فعالیت‌های مذهبی همبستگی مثبتی وجود دارد (۴). همچنین، دین تأثیر قابل ملاحظه‌ای در سازگاری دارد و از آن می‌توان در کار بالینی استفاده نمود (۱۷). کریمی (به نقل از اعتمادزاده و همکاران) معتقد است که فعالیت‌های مذهبی موجب افزایش نشاط فرد می‌گردد (۱۰). در همین راستا، Brown بر این باور است که دعا و نیایش قوی‌ترین عامل تبیین‌کننده و بخشایش در افراد بوده، آن‌ها را در کنار آمدن با مشکلات به ویژه مشکلاتی که به طور شخصی بر آن‌ها کنترل ندارد، کمک نموده، موجب افزایش شادمانی می‌شود (۱۸).

امروزه توجه به مسأله خانواده و عملکرد آن به صورت فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است (۱۹). خانواده با نقش مهم و هستی بخشی که در رشد و پرورش اعضای خود دارد، رابطه برجسته‌ای با سلامت روانی افراد دارد و در نتیجه، با احساس شادکامی و رضایت‌مندی کلی از زندگی نیز مرتبط است (۲۱، ۲۰). محققان همبستگی مثبتی بین سلامت روانی و شادکامی گزارش کرده‌اند. خانواده اولین نهادی است که فرد به آن وارد می‌شود و همین نهاد پر قدرت وی را برای ایفای نقش‌های مختلف دوران‌های متفاوت زندگی آماده می‌سازد (۲۲). بنابراین سهیل‌اندیشی در مورد نقش برجسته خانواده در زندگی فرد به ویژه در دوران دانشجویی و کم‌اهمیت شمردن

علوم پزشکی تبریز انجام شد.

فرضیه‌ها

- ۱) بین عملکرد خانواده و زیرمقیاس‌های آن با شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۲) بین دینداری با تکیه بر اسلام و ابعاد آن با شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۳) سهم متغیرهای جنسیت، نوع سکونت، عملکرد خانواده و دینداری در پیش‌بینی احساس شادکامی دانشجویان چقدر است؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش از تمامی دانشجویان کارشناسی و دکتری حرفه‌ای (پیوسته) مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی تبریز در نیم‌سال دوم تحصیلی ۱۳۸۸-۸۷ تشکیل شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول Cochran و با ملحوظ داشتن خطای مجاز ۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین شدند. اعضای نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، از بین هفت دانشکده دانشگاه علوم پزشکی سه دانشکده و از هر دانشکده سه کلاس، به تصادف انتخاب شدند. برای به دست آوردن حجم نمونه کافی، ۴۰۰ مجموعه پرسش‌نامه آماده اجرا شد که بر اساس طول آزمون‌ها و نوع سؤالات به ترتیب شامل آزمون شادکامی، سنجش عملکرد خانواده و مقیاس دینداری بود. آزمون‌گر در وقت کلاسی یکی از دروس عمومی که از قبل انتخاب شده بود، بین دانشجویان حاضر شده، بعد از جلب نظر و توجیه آنان اقدام به توزیع و جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و پاسخ‌نامه‌های مربوطه در همان زمان و مکان نمود. در مدت سه هفته تمامی داده‌ها گردآوری شدند. ۲۸ پاسخ‌نامه به دلیل ناقص بودن و یا پاسخ‌دهی توأم با بی‌دقتی کنار گذاشته شد و تحلیل نتایج بر روی ۳۷۲ مجموعه پاسخ‌نامه باقی‌مانده انجام گرفت. از سه ابزار معتبر روان‌شناختی به همراه مشخصات جمعیت‌شناختی آزمودنی شامل سن، جنسیت و نوع سکونت استفاده شد.

آن درست نمی‌باشد. بدیهی است که دانشجویان طیف وسیعی از حالات هیجانی و مشکلات را تجربه می‌کنند. شرایط نامساعد خوابگاه، احساس غربت، مشکلات تحصیلی، نداشتن تفریح و سرگرمی، نگرانی ناشی از یافتن شغل بعد از اتمام تحصیل، مشکلات اقتصادی و سرانجام مسایلی نظیر ادامه تحصیل و انتخاب همسر، شخصیت فرد را آسیب‌پذیر کرده، زمینه بروز اختلالات خلقی و اضطرابی را مهیا می‌کند و در نهایت این فشارهای روانی به تدریج احساس شادکامی و رضایت‌مندی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۲۳).

برخی مطالعات نیز به بررسی ارتباط شادکامی با متغیرهای جمعیت‌شناختی چون جنسیت پرداخته‌اند. تناقضاتی نیز در نتایج آن‌ها دیده می‌شود؛ به طوری که برخی تحقیقات تفاوت معنی‌داری بین شادکامی زنان و مردان نشان ندادند (۲۶-۲۴)، ولی پاره‌ای از تحقیقات این تفاوت را معنی‌دار گزارش کرده‌اند (۲۷). کمتر پژوهشی به بررسی ارتباط بین شادکامی دانشجویان و نوع سکونت (بومی، غیر بومی و خوابگاهی) پرداخته است. این در حالی است که تحقیقات بین سلامت روانی و بهزیستی ذهنی به عنوان متغیرهای مرتبط با شادکامی، با نوع سکونت دانشجویان ارتباط نشان داده است.

از این رو، مطالعه بیشتر در پاسخ به تناقضات موجود در زمینه ارتباط جنسیت و شادکامی و نیز، تعیین ارتباط بین نوع سکونت و شادکامی یکی از دلایل انجام پژوهش حاضر بود. همچنین، جمع‌بندی یافته‌های قبلی به ارتباط مثبت دین و معنی در زندگی با شادکامی اشاره دارد. تحقیقاتی که به طور مستقیم به بررسی رابطه عملکرد خانواده با شادکامی پرداخته و ارتباط آن را در حضور متغیرهای دیگری مثل دینداری با تکیه بر دین اسلام بررسی نماید، بسیار محدود بوده است؛ به ویژه زمانی که بخواهیم این نوع تحقیقات را در سطح دانشجویان دانشگاه‌های تبریز جستجو کنیم. از این رو، این پژوهش به منظور بررسی رابطه عملکرد خانواده و دینداری با تکیه بر اسلام، با شادکامی و نیز، تعیین سهم متغیرهای جمعیت‌شناختی جنس و نوع سکونت، دینداری با تکیه بر اسلام و عملکرد خانواده در پیش‌بینی احساس شادکامی دانشجویان دانشگاه

ابزار سنجش

۱) ابزار سنجش خانواده (Family assessment device یا FAD): این پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی توسط Baldwin, Epstein و Bishop ساخته شد. هدف از آن سنجش عملکرد خانواده و ابعاد آن (حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده) است. نمره‌گذاری بر اساس مقیاس لیکرت (۴-۱) انجام می‌شود؛ به طوری که نمرات کمتر نشان دهنده عملکرد بهتر است. این ابزار با ضرایب آلفای خرده مقیاس‌های خود از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ از همسانی خوبی برخوردار است و با قدرت متمایزسازی خانواده‌های بالینی و غیر بالینی دارای روایی خوبی است. در این پژوهش، از نسخه اصلاح شده حاصل از پژوهش‌های میرعنایت و رضائی (به نقل از ثنائی) استفاده شد (۲۸). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کل مقیاس ۰/۹۸، و برای خرده مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی خانواده به ترتیب با ۰/۸۷، ۰/۸۵، ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۸، ۰/۸۲ و ۰/۹۲ محاسبه شد.

۲) مقیاس شادکامی (MUNSH یا Memorial University of Newfoundland scale of happiness): این مقیاس برای اندازه‌گیری شادکامی توسط Kosema و Stonze طرح شده است. سؤالات آن به صورت سه ماده‌ای (بلی، خیر و نمی‌دانم) بوده، نمرات بالاتر نشان‌گر شادکامی بیشتر است. همسانی درونی این مقیاس با استفاده از ضریب Cronbach's alpha ۰/۷۱، و ضریب روایی آن برابر با ۰/۸۴ گزارش شده است (۲۹). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای مقیاس ۰/۶۹ به دست آمد.

۳) مقیاس دینداری با تکیه بر اسلام: این مقیاس برای سنجش دینداری با تکیه بر اخلاق و اعمال اسلامی توسط مسعود آذربایجانی تهیه شده است. این مقیاس شامل ۶۶ گویه بوده، از یک مقیاس کلی و دو زیرمقیاس به وجود آمده است. زیرمقیاس عقاید-مناسک مشتمل بر ۴۱ گویه، دارای ضریب آلفای ۰/۹۴۷ و زیرمقیاس اخلاق نیز با ۲۵ گویه و ضریب آلفای ۰/۷۹۳ نشانگر همسانی درونی خوب گویه‌های

آن می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک طرفه بین نتایج طلاب حوزه علمیه و دانشجویان دانشگاه‌های آزاد و دولتی نشان از روایی سازه خوب آزمون به شیوه تفاوت‌های گروهی دارد. مجموع نمرات ۶۶ گویه نشان دهنده نمره کلی آزمودنی در جهت‌گیری مذهبی اسلامی با ضریب آلفای ۰/۹۳۶ است. نمره‌گذاری آزمون بر اساس مقیاس لیکرت بود و نمرات کمتر نشانگر جهت‌گیری عمیق‌تر به دین اسلام و اعتقادات، اخلاق و اعمال اسلامی دارد (۳۰). در این پژوهش، ضریب آلفای کل مقیاس دینداری برابر با ۰/۸۲ به دست آمد، ضریب Cronbach's alpha برای دو خرده مقیاس اخلاق و عقاید-مناسک به ترتیب ۰/۹۹ و ۰/۹۸ گزارش شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS^{۱۱/۵} انجام شد و روش‌های آماری ضریب همبستگی Pearson، ضریب Cronbach's alpha، رگرسیون چندگانه و ضریب بتا استفاده شد.

یافته‌ها

نمونه شامل ۲۴۰ زن با میانگین سنی ۲۰/۷ سال و ۱۲۹ مرد با میانگین سنی ۲۲/۴۸ سال بود. ۱۷۴ دانشجوی بومی و ۱۹۲ دانشجوی غیر بومی در پژوهش شرکت داشتند. جنسیت در سه مورد و نوع سکونت در شش مورد نامشخص گزارش شد. مقادیر میانگین و انحراف استاندارد نمرات شادکامی دختران ($M = -۰/۴۹$, $S = ۶/۰۴$) و پسران ($M = ۴/۱۹$, $S = ۵/۲۳$)، دانشجویان بومی ($M = ۲/۳۳$ و $S = ۶/۱۵$) و دانشجویان غیر بومی و ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی ($M = ۰/۱۴$ و $S = ۶/۰۶$) محاسبه شد.

در بررسی فرضیه اول با استفاده از ضریب همبستگی Pearson، نمرات خرده مقیاس‌های عملکرد خانواده رابطه منفی با نمره آزمون شادکامی داشت ($P < ۰/۰۱$). در مقیاس شادکامی نمرات بالا نشان‌گر شادکامی بیشتر است؛ به طوری که در FAD نمرات پایین‌تر نشان دهنده عملکرد بهتر خانواده است. از این رو عملکرد موفق و سازگارانه خانواده با شادکامی بیشتر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز مرتبط بود (جدول ۱).

جدول ۱. ضریب همبستگی گشتاوری Pearson بین نمرات خرده مقیاس‌های عملکرد خانواده و مقیاس شادکامی

شادکامی	عملکرد کلی	کنترل رفتار	آمیزش عاطفی	همراهی عاطفی	نقش‌ها	ارتباط	حل مشکلات
شادکامی	۱						
عملکرد کلی	**-.۰/۳۳	۱					
کنترل رفتار	**-.۰/۲۱	**۰/۶۲	۱				
آمیزش عاطفی	**-.۰/۲۲	**۰/۵۳	**۰/۵۲	۱			
همراهی عاطفی	**-.۰/۲۲	**۰/۶۴	**۰/۴۱	**۰/۵۹	۱		
نقش‌ها	**-.۰/۳۶	**۰/۷۸	**۰/۵۲	**۰/۴۲	**۰/۵۳	۱	
ارتباط	**-.۰/۲۵	**۰/۶۹	**۰/۴۳	**۰/۴۵	**۰/۴۷	**۰/۴۶	۱
حل مشکلات	**-.۰/۲۲	**۰/۷۷	**۰/۵۳	**۰/۳۶	**۰/۵۳	**۰/۶۴	**۰/۵۹

**معنی‌داری همبستگی در سطح ۰/۰۵ و دو دامنه **معنی‌داری همبستگی در سطح ۰/۰۱ و دو دامنه

جدول ۲. ضریب همبستگی Pearson بین نمرات مقیاس دینداری با تکیه بر اسلام و

ابعاد آن با مقیاس شادکامی

شادکامی	دینداری	اخلاق	عقاید و مناسک
شادکامی	۱		
دینداری	**-.۰/۲۴	۱	
اخلاق	**-.۰/۲۸	**۰/۸۷	۱
عقاید و مناسک	**-.۰/۲۰	**۰/۹۷	**۰/۷۳

**معنی‌داری همبستگی در سطح ۰/۰۱ و دو دامنه

در بررسی فرضیه دوم با استفاده از ضریب همبستگی Pearson، بین نمرات مقیاس سنجش دینداری با تکیه بر اسلام و ابعاد آن، اخلاق و عقاید- مناسک، با نمره مقیاس شادکامی رابطه منفی وجود داشت ($P < ۰/۰۱$). نمرات بالا در مقیاس شادکامی نشان‌گر شادکامی بیشتر است؛ در حالی که در مقیاس دینداری با تکیه بر اسلام نمرات کمتر نشان دهنده گرایش‌ها و تعهدات بیشتر و قوی‌تر به دین اسلام می‌باشد. از این رو گرایش‌ها بیشتر به اسلام و تعهدات قوی‌تر به آن با شادکامی بیشتر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز همراه بود (جدول ۲).

برای تعیین سهم متغیرهای دینداری و ابعاد آن، خرده مقیاس‌های عملکرد خانواده، جنسیت و نوع سکونت در پیش‌بینی احساس شادکامی دانشجویان از تحلیل رگرسیون

چندگانه روش گام‌به‌گام استفاده شد.

برای بررسی درستی استفاده از آزمون رگرسیون، انجام آزمون تحلیل واریانس (F) ضرورت دارد. همان گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در گام اول متغیر جنسیت وارد معادله رگرسیون شده است، F مشاهده شده در این مورد با مقایسه با مقادیر بحرانی معنی‌دار بود. در گام دوم نقش‌ها (FAD) به جنسیت اضافه شده، همچنان مقدار F معنی‌دار بود. در گام سوم، نوح سکونت (بومی یا غیر بومی بودن) به دو متغیر قبلی اضافه شده، مقدار F باز هم معنی‌دار بود. در گام چهارم، متغیر دینداری به معادله وارد شده، F با توجه به مقدار بحرانی آن معنی‌دار به دست آمد. در گام پنجم یا آخر، متغیر ارتباط (FAD) وارد معادله رگرسیون شده، مقدار F نیز معنی‌دار شد ($F = ۳۳/۴۹$ ، $P < ۰/۰۰۱$).

جدول ۳. F. تحلیل رگرسیون مقیاس‌های عملکرد خانواده، دینداری، جنسیت و نوع سکونت بر میزان شادکامی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
۱ رگرسیون	۱۹۳۹/۲۱	۱	۱۹۳۹/۲۱		
باقی مانده	۱۲۰۵۲/۸۹	۳۶۴	۳۳/۱۱	۵۸/۵۶	۰/۰۰۱ (الف)
کل	۱۳۹۹۲/۱۰	۳۶۵			
۲ رگرسیون	۳۶۰۵/۱۷	۲	۱۸۰۲/۵۸		
باقی مانده	۱۰۳۸۶/۹۳	۳۶۳	۲۸/۶۱	۶۲/۹۹	۰/۰۰۱ (ب)
کل	۱۳۹۹۲/۱۰	۳۶۵			
۳ رگرسیون	۳۹۶۳/۴۶	۳	۱۳۲۱/۱۵		
باقی مانده	۱۰۰۲۸/۶۴	۳۶۲	۲۷/۷۰	۴۷/۶۹	۰/۰۰۱ (پ)
کل	۱۳۹۹۲/۱۰	۳۶۵			
۴ رگرسیون	۴۳۲۴/۸۴	۴	۱۰۸۱/۲۱۱		
باقی مانده	۹۶۶۷/۲۵	۳۶۱	۲۶/۷۸	۴۰/۳۷	۰/۰۰۱ (ت)
کل	۱۳۹۹۲/۱۰	۳۶۵			
۵ رگرسیون	۴۴۴۱/۶۴	۵	۸۸۸/۳۳		
باقی مانده	۹۵۵۰/۴۶	۳۶۰	۲۶/۵۳	۳۳/۴۹	۰/۰۰۱ (ث)
کل	۱۳۹۹۲/۱۰	۳۶۵			

الف) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت

ب) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها

پ) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت

ت) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری

ث) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری، ارتباط

ج) متغیر وابسته: شادکامی

جدول ۴. اطلاعات مربوط به ضریب تعیین و خطای استاندارد تحلیل رگرسیون

مدل	R	مجزور R	خطای استاندارد برآورد
گام اول) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت	۰/۳۷۲	۰/۱۳۹	۵/۷۵
گام دوم) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها	۰/۵۰۸	۰/۲۵۸	۵/۳۵
گام سوم) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت	۰/۵۳۲	۰/۲۸۳	۵/۲۶
گام چهارم) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری	۰/۵۵۶	۰/۳۰۹	۵/۱۷
گام پنجم) متغیر پیش‌بین: (ثابت)، جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری، ارتباط	۰/۵۶۳	۰/۳۱۷	۵/۱۵

متغیر وابسته: شادکامی

در گام اول با وارد شدن جنسیت در معادله رگرسیون، مشاهده شد که بین جنسیت و شادکامی همبستگی وجود دارد ($r = ۰/۳۷$)؛ به طوری که ۱۴ درصد از واریانس شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم، دو متغیر جنسیت و نقش‌ها با هم ۲۶ درصد از واریانس شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. در گام سوم، با اضافه شدن متغیر نوع سکونت به معادله رگرسیون، سه متغیر جنسیت، نقش‌ها و نوع سکونت ۲۸ درصد از واریانس

شادکامی را پیش‌بینی می‌نماید. در گام چهارم، متغیرهای جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت و دینداری ۳۱ درصد از تغییرات شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. در گام پنجم که متغیر ارتباط نیز به معادله رگرسیون اضافه شد، همبستگی متغیرهای جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری و ارتباط با متغیر شادکامی ۵۶/۰ درصد است؛ به طوری که این پنج متغیر به اتفاق هم ۳۲ درصد از تغییرات شادکامی را پیش‌بینی می‌کنند (جدول ۴).

جدول ۵. اطلاعات مربوط به ضرایب بتا در تحلیل رگرسیون (متغیر وابسته: شادکامی)

گام	متغیرها	ضرایب غیر استاندارد بتا	ضرایب استاندارد بتا	t	سطح معنی داری
	(ثابت)	۱۴/۱۴		۶/۴۸	۰/۰۰۱
	جنسیت	۴/۷۱	۰/۳۶	۸/۲۶	۰/۰۰۱
	نقش‌ها	-۰/۴۱	-۰/۲۴	-۴/۷۵	۰/۰۰۱
۵	نوع سکونت	-۲/۱۹	-۰/۱۸	-۴/۰۲	۰/۰۰۱
	دینداری	-۰/۰۴	-۰/۱۷	-۳/۵۸	۰/۰۰۱
	ارتباط	-۰/۲۱	-۰/۱۰	-۲/۱۰	۰/۰۳۷

همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، در گام پنجم که متغیرهای پیش‌بین نهایی شده‌اند، ضریب بتای استاندارد شده برای متغیر جنسیت ۰/۳۶ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. ضریب بتای استاندارد برای متغیر نقش‌ها $-۰/۲۴$ ($P < ۰/۰۱$) و برای متغیر نوع سکونت $-۰/۱۸$ شد ($P < ۰/۰۱$). همچنین ضریب بتای استاندارد برای متغیر دینداری $-۰/۱۷$ به دست آمد ($P < ۰/۰۱$) که نشان می‌دهد یک انحراف معیار تغییر در نمره دینداری با $-۰/۱۷$ تغییر در نمرات شادکامی همراه است. همچنین، ضریب بتای ارتباط برابر با $-۰/۱۰$ بود ($P < ۰/۰۵$). این ضریب نشان می‌دهد که یک انحراف معیار تغییر در نمرات ارتباط موجب $-۰/۱۰$ تغییر در نمرات شادکامی می‌شود. با توجه به مقادیر ضریب بتا، به ترتیب متغیرهای جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری و ارتباط قوی‌ترین پیش‌بین‌های احساس شادکامی بودند و از آن جا که ضریب بتای متغیر جنسیت بزرگ‌تر از چهار متغیر دیگر بود؛ از این رو، بالاترین وزن را در پیش‌بینی تغییرات مربوط به احساس شادکامی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع شادکامی در زندگی دنیای امروز، این پژوهش با هدف تعیین سهم متغیرهای جنسیت، نوع سکونت (بومی، غیر بومی)، دینداری با تکیه بر اسلام و عملکرد خانواده در پیش‌بینی تغییرات احساس شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که بین عملکرد خانواده و شادکامی دانشجویان رابطه وجود دارد. هر چه دانشجویان

عملکرد سازگارانه و موفق در خانواده داشته باشند، اعضای آن ارتباط بهتری با یکدیگر برقرار کنند، ایفای نقش بهتری داشته باشند و وظایف خود را بهتر انجام دهند، همراهی و آمیزش عاطفی بهتر و عمیق‌تری با دیگر اعضای خانواده خود داشته باشند و بتوانند مشکلات خود را بهتر حل و فصل نمایند و بهتر بتوانند رفتار خود را مدیریت نمایند، شادکامی آنان بیشتر خواهد بود. محققان در پژوهش خود با استفاده از ابزار FAD رابطه مثبت و معنی‌داری بین عملکرد خانواده، دینداری و سلامت روانی دانشجویان به عنوان عاملی که همبستگی مثبتی با شادکامی دارد، گزارش نمودند (۳۱). از طرفی، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که گرایش و تعهد بیشتر دانشجویان نسبت به دین اسلام و حضور در مناسک و مراسم مذهبی، منجر به شادکامی بیشتر آنان می‌شود. حضور در اماکن مذهبی از راه‌های مختلف چون افزایش ایمان به خدا، تحکیم باورهای مذهبی، دعا و نیایش، ایجاد آرامش روانی، افزایش ارتباطات و حمایت اجتماعی، افزایش صمیمیت زوجین و آموزش دستورات دینی که به ارتقای بهداشت روانی و جسمانی می‌انجامد، موجب افزایش شادی می‌شود (۳۲، ۳۳). یک تحقیق روی زنان شاغل شیرازی نشان داد که بین معنی در زندگی با امید، شادکامی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ در حالی که این رابطه با افسردگی منفی است. به باور محققان، معنی در زندگی به طور مستقیم و تعاملی موجب افزایش شادکامی و رضایت‌مندی از زندگی می‌شود (۳۴). (به طور کلی، مذهب موجب هدفمندی و غنای زندگی فرد شده، او را از یأس و پوچی می‌رهاند و در نتیجه، فرد شادکامی بیشتری را تجربه می‌نماید. این یافته همسو با

نتایج سایر تحقیقاتی است که در قسمت مقدمه بیان شد).
نتایج نشان داد که در تعیین سهم هر یک از متغیرهای جنسیت، نوع سکونت (بومی یا غیر بومی بودن)، اخلاق، عقاید- مناسک، دینداری بر پایه اسلام، عملکرد خانواده، نقش‌ها، کنترل رفتار، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی، حل مشکلات و ارتباط در پیش‌بینی احساس شادکامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز، متغیرهای جنسیت، نقش‌ها، نوع سکونت، دینداری، و ارتباط به ترتیب قدرت پیش‌بینی بیشتری دارند و از این میان سهم متغیر جنسیت از سایر متغیرها بیشتر است ($\beta = 0.36$ ، $P < 0.01$). مقادیر میانگین نمرات شادکامی دختران و پسران نیز نشان داد که پسران از دختران شادکام‌ترند.

در همین راستا، جوکار و رحیمی در بررسی رابطه الگوهای ارتباط خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی شیرازی با میزان احساس شادکامی دریافتند که در خانواده‌های پیرو الگوی ارتباطی کثرت‌گرایانه و رضایت متقابل، شادکامی مردان بیش از شادکامی دختران بود (۳۵).
حمایت‌طلب در پژوهشی با مقایسه شادکامی دختران و پسران ورزشکار دانشگاه تهران دریافتند که دختران ورزشکار به صورت معنی‌داری خلق بالاتر، سلامت روانی و خودکارآمدی بیشتری دارند، در نتیجه رضایت‌مندتر بوده و شادکام‌تر هستند (۳۶).
برخی تحقیقات نیز بر عدم تفاوت معنی‌دار شادکامی دو جنس اشاره دارد. گروسی و همکاران با مطالعه بر روی ۳۹۶ دانشجوی دانشگاه تبریز با استفاده از پرسش‌نامه شادکامی مونس دریافتند که تفاوت معنی‌داری بین شادکامی دختران و پسران دانشجوی وجود ندارد (۲۹). کشاورزی و همکاران نیز با پژوهش بر روی ۱۶۰ فرد اصفهانی دریافتند که بین شادکامی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (۳۷).
ظه‌پور و فکری در تحقیقی درباره شادکامی دانشجویان دانشگاه تهران گزارش کردند که ارتباط معنی‌داری بین هیچ یک از متغیرهای سن، جنس، محل سکونت، رشته تحصیلی و طول تحصیل با احساس شادکامی وجود ندارد (۳۸).
شاید یکی از دلایل این تناقض در نتایج، به ویژگی‌های

نمونه پژوهشی بازگردد. در این پژوهش تعداد دختران بیشتر از پسران بود، همچنین در محیط‌های دارای بافت سنتی ابراز شادکامی برای مردان اغلب پذیرفته‌تر است، این احتمال وجود دارد که نتایج آزمون شادکامی دانشجویان تحت تأثیر این مقوله قرار گرفته باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که متغیر نوع سکونت ۰/۱۸ تغییرات شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. مقایسه میانگین‌ها نیز نشان داد که دانشجویان بومی از دانشجویان غیر بومی و ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی شادکام‌تر بودند. با توجه به محدودیت پژوهشی در منابع مورد بررسی، امکان تطابق یافته‌ها میسر نشد. روشن است که استرس‌های زندگی دانشجویی در محیط خوابگاه و به دور از خانواده دوچندان است. لازمه زندگی خوابگاهی، سازگاری دانشجویان با فرهنگ‌های مختلف و شرایط خوابگاه است و این کار به خودی خود، حداقل برای طیفی از دانشجویان مستعد آسیب‌های روانی- اجتماعی، آسان نیست و مقابله با آن نیازمند وجود درجاتی از برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و برخورداری از مهارت‌های توانایی برقراری ارتباط مؤثر، مبارزه با خلق منفی، مدیریت استرس و زمان و نیز، قاطعیت و جرأت مندی است.

بر اساس نتایج تحقیق و ضرایب بتای به دست آمده، دو مؤلفه نقش‌ها و ارتباط، بیش از سایر مؤلفه‌های عملکرد خانواده در پیش‌بینی شادکامی نقش دارند. اگر چه مطالعات مرتبط محدود است، اما برخی از مطالعات حاکی از آن است که هر چه تعداد اعضای خانواده کمتر باشد، انعطاف‌پذیری آنان بیشتر و تنش‌های بین اعضا کمتر بوده، به سبب آن، تعارضات و مشکلات ارتباطی بین آن‌ها نیز کمتر خواهد بود. در نتیجه میزان شادی و شادکامی آنان بیشتر خواهد بود (۳۹، ۳۷).
همچنین، تحقیقات نشان داده است که میزان شادکامی اعضای خانواده‌های دارای الگوهای ارتباطی کثرت‌گرایانه و مبتنی بر رضایت متقابل بیشتر از شادکامی اعضای خانواده‌هایی بود که الگوهای ارتباطی آن‌ها حمایتی افراطی و یا بی‌بندوباری بود (۳۵). وقتی تعداد اعضای خانواده زیاد باشد،

دانشگاه علوم پزشکی تبریز بود و از این رو تعمیم نتایج را به نمونه‌های دیگر محدود می‌سازد.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد که پژوهش‌های مشابه در جوامع آماری متفاوت انجام شود و نیز در کنار عوامل جمعیت‌شناختی مورد بررسی در این پژوهش، متغیرهای دیگری چون سطح اجتماعی-اقتصادی، شغل و تحصیلات والدین نیز مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به این که دانشجویان بومی شادتر از دانشجویان غیر بومی هستند، پیشنهاد می‌شود که در انتخاب محل تحصیل به این مقوله دقت شود. همچنین پیشنهاد می‌شود، برگزاری مراسم معنوی مناسب و کارگاه‌های آموزش خانواده و زندگی، در راستای افزایش احساس شادکامی دانشجویان از جانب مسئولان و متولیان بهداشت روانی دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد.

سپاسگزاری

انجام این پژوهش با همکاری سرکار خانم پوزش، مسؤول وقت اداره مشاوره و راهنمایی دانشگاه علوم پزشکی تبریز ممکن شد، از ایشان و دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش سپاسگزاری می‌گردد.

اغلب بی‌بندوباری، غفلت و بی‌توجهی و یا حمایت افراطی برای نظارت و کنترل بیشتر در خانواده رایج شده، امکان وقوع درگیری و عدم انعطاف‌پذیری به وجود می‌آید. همین امر می‌تواند در ارتباطات، نقش‌ها و وظایف اعضا تعارضاتی ایجاد کرده، در نتیجه موجب کاهش احساس شادکامی اعضای خانواده شود. از این رو انجام پژوهش‌های بیشتر ضرورت دارد. اگر چه مقوله دینداری در مقایسه با متغیرهای جنسیت، نوع سکونت و نقش‌ها سهم کمتری در پیش‌بینی شادکامی دارد، ولی ۰/۱۷ از تغییرات آن را پیش‌بینی می‌کند؛ نتایج پژوهش‌های قبلی نیز مؤید ارتباط دینداری و شادکامی است.

در رابطه با محدودیت‌های این تحقیق باید اشاره داشت که ۱- مطالعه حاضر به بررسی عملکرد خانواده و اعتقادات و باورهای مذهبی و دینی پرداخته است؛ به طوری که نتایج مبتنی بر تجربه و تحلیل داده‌های حاصل از خودگزارشی است، بنابراین جای آن دارد که تفسیر نتایج با احتیاط صورت پذیرد. ۲- این احتمال وجود دارد که متغیرهای دیگری چون سطح درآمد خانواده، طبقه اجتماعی-اقتصادی، شغل و سطح سواد والدین در میزان شادکامی تأثیرگذار باشد، که در این مطالعه بررسی نشده‌اند. ۳- نمونه پژوهشی شامل دانشجویان

References

1. Veenhoven R. Is happiness is a trait? test of the theory that a better society does not make people any happier. *Social Indicators Research* 1997; 32: 101-6.
2. Pressman SD, Cohen S. Does positive affect influence health? *Psychol Bull* 2005; 131(6): 925-71.
3. Maleki K. Study of relation between meaning in life and coping strategies with happiness of students of Tabriz University. [Thesis]: Tabriz: Tabriz University; 2007.
4. Diener E, Seligman ME. Very happy people. *Psychol Sci* 2002; 13(1): 81-4.
5. Argyle M. Causes and correlates of happiness. In: Kahneman D, Diener E, Schwartz N, editors. *Well-being: the foundations of hedonic psychology*. New York: Russel Sage Foundation; 1999. p. 185-99.
6. Veenhoven R. Hedonism and happiness. *Journal of Happiness Studies* 2003; 4(4): 437-57.
7. Andrews FM, McKennell AC. Measures of self-reported well-being: their affective, cognitive, and other components. *Social Indicators Research* 1980; 8(2): 127-55.
8. Myers DG, Diener ED. Who is happy? *Psychological Science* 1995; 6(1): 10-9.
9. Carr A. *Positive psychology: the science of happiness and human strengths*. New York: Psychology Press; 2004.
10. Etemadzadeh H, Jafari A, Abedi M. Educational factors, physical and organizational influence happiness. *J Psychology and Education* 2009; 39(2): 77-100.
11. Heady B, Wearing A. Personality, life events, and subjective well-being: toward a dynamic equilibrium model star, open. *Journal of Personality and Social Psychology* 1989; 57(4): 731-9.
12. Neshatdust H, Mehrabi H, Kalantari M, Soltani A. Predicting factors of happiness in wives of Mobarakeh steel company personal. *J Family Research* 2007; 3(11).

13. Alipur Nurbala A, Ezhehei J, Motieyan H. Happiness and body immunology performance. *Journal of Tehran Psychology* 2000; 15(3): 219-33.
14. Myers DG. *Psychology*. 3rd ed. New York: Worth Publishers; 1996.
15. Schwab R, Petersen UK. Religiousness: its relation to loneliness, neuroticism and subjective well – being. *Journal for the Scientific Study of Religion* 1990; 29(3): 335-45.
16. Lewis CA, Maltby J, Day L. Religious orientation, religious coping and happiness among UK adults. *Personality and Individual Differences* 2005; 38(5): 1193-202.
17. McNulty K, Wilson LM. Perceived uncertainty, spiritual well-being, and psychosocial adaptation in individuals with Multiple sclerosis. *Rehabilitation Psychology* 2004; 49(2): 91-9.
18. Brown LB. *The human side of prayer: the psychology of praying*. Birmingham, Ala: Religious Education Press; 1994
19. Dibaj Nia P. Study of relation between family function and self – concept in student of Shahid Beheshti University of Medical Sciences in 2002. *Pajohandeh* 2003; 9(40): 237-40
20. Effective factors on family function: Study of validity and reliability of Family Assessment Device.[Thesis]. Roodhen: Azad University; 1995
21. Relation between family function and mental health of students. *Proceedings of the 1st Congress of Student, University and Family*; Mashhad, Iran; 2008.
22. Goldenberg I, Goldenberg H. *Family therapy: an overview*. 3rd ed. New York: Brooks/Cole; 1991
23. Karami R. Study of happiness and its effective factors between Iranian students. *Proceedings of the 1st congress of Mental Health of Students*; Tehran, Iran; 2001.
24. Alipur A, Nurbala A. Pilot study of validity and reliability of Oxford Happiness Index in students of Tehran Universities. *J Thought and Behavior* 1998; 5(17-18): 55-65.
25. Mani A, Hadianfard H. Study of happiness between students of Shiraz University. *Proceedings of the 1st Congress of Iran Psychology*; Tehran, Iran; 2002.
26. Alipour A, Agahharis M. Validity and reliability of oxford happiness index in Iranian. *Psychology Quarterly evolution* 2007; 3(12): 287-98
27. Mookerjee R, Beron K. Gender, religion and happiness. *Journal of Socio-Economics* 2005; 34(5): 674-85.
28. Sanaie B. *Assessment scales of marriage and family*. Tehran: Besat; 2000.
29. Garooci MT, Mani A, Bakhshipour A. Investigation the relationship between personality factors & happiness among Tabriz University's students. *Journal of Psychology, University of Tabriz* 2006; 1(1): 143-58.
30. Azarbayjni M. *Instruct of Islamic - religious attitudes test*. Ghom: Pajuheshkade Hoze - Daneshgah.; 2006
31. Jafari A, Sadri J, Fathi Agddam G. Relation between family function and religious with mental health, and Its comparision between men and women. *J Counseling Researches and News* 2007; 6(22): 107-15.
32. Pollner M. Divine relations, social relations, and well-being. *J Health Soc Behav* 1989; 30(1): 92-104
33. Ellison CG. Religious involvement and subjective well-being. *J Health Soc Behav* 1991; 32(1): 80-99.
34. Nasiri HA, Joukar B. The relationship between life's meaningfulness, hope, happiness, life satisfaction and depression in a group of eEmployed women. *Journal of Development and Politics Women* 2008; 6(2): 157-76.
35. Joukar B, Rahimi M. Study of the effect of family comunication patterns on happiness in a group of high school students in Shiraz. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2008; 13(4): 376-84.
36. Goudarzi M, Hemayattalab R. Comparison of Happiness in Male and Female Athletic Students of Tehran University. *J Harakat* 2005; 25: 43-52.
37. Keshavarz A, Moulavi H, Kalantari M. The relationship between vitality and demographic variables with happiness in Isfahan population. *Psychological Studies* 2009; 4(4): 45-64.
38. Zohour A, Fekri A. University students's happiness at faculty of management and medical information sciences, Iran University of Medical Sciences. *Journal of Sabzevar School of Medical Sciences* 2004; 11(1): 47-54.
39. Keshavarz A, Moulavi H, Yarmohammadian A. The relationship between happiness, dogmatism-flexibility and demographic variables. *Journal of Psychology* 2008; 12(1): 4-19.

Demographic factors, relying on the Islamic religion and family functioning in prediction of students' happiness in Tabriz University of Medical Sciences, Iran

Bayrami Mansour¹, Hashemi Toraj², Alaie Parvaneh³, Abdollahi Adli Ansar Vahideh³

Abstract

Aim and Background: Considering the importance of happiness in life, this research was accomplished to qualify the role of gender, type of residence, religiosity and family functioning in prediction of students' happiness of Tabriz University of Medical Sciences, Iran.

Methods and Materials: This research was correlation-descriptive study. The statistical population included all students of Tabriz University of Medical Sciences, Iran who were studying in the spring semester of 2009. 372 students selected by multi-stage cluster random sampling method. The students accomplished family assessment device (FAD), Memorial University of Newfoundland scale of happiness (MUNSH) and religiosity through reliance on Islam assessment scale (RRIAS). Pearson correlation coefficient and stepwise multiple regression statistical methods were used for analyzing data.

Findings: There was significant correlation between family function and also, religiosity through reliance on Islam with happiness ($P < 0.01$). Factors such as gender, roles, type of residence, religiosity and relationship predicted 32% variance of happiness ($P < 0.01$). Beta coefficients for predictor variables showed that gender is most important predictor for happiness.

Conclusions: Students who live with their family (local) were happier than who don't live (non-local) and similarly males were happier than females. Students with adaptive family functioning, tendency and commitment to Islam were happier. So, applying of family instruction workshops and effective religious programs are suggested to increase students' happiness.

Keywords: Religiosity through reliance on Islam, family function, happiness, demographic factors, student.

Type of article: Original

Received: 22.09.2009

Accepted: 21.06.2010

1. Associate Professor, School of Psychology and Educational Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)
Email: dr.Bayrami@yahoo.com
2. Assistant Professor, School of Psychology and Educational Sciences, Tabriz University, Tabriz, Iran.
3. PhD Student, School of Educational Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran.